

## آیامی توانیم جلوی جنگ را بگیریم؟



مهرداد احمدی شیخانی

روزنامه‌نگار

من معمولاً عنوان یادداشت‌هایم را تا مطلبیم به انتها نرسد انتخاب نمی‌کنم و به عبارتی، تا پایان نمی‌دانم که تیتیر یادداشت‌م چه باشد بهتر است، برای همین عادت‌م در نوشتن آن است که عنوان یادداشت را از جملات پایانی متن استخراج کنم، اما این بار از همان ابتدا عنوان را انتخاب کردم و قصد دارم مستقیماً در مورد این عنوان صحبت کنم. عنوان یادداشت را دوباره بخوانید: نوشته‌ام «آیامی توانیم جلوی جنگ را بگیریم یا اینکه باید جلوی جنگ را بگیریم؟» که انتخاب آن هم برمی‌گردد به سخن اخیر جناب حسن روحانی در کسوت ریاست‌جمهور اسبق کشورمان که گفته «در جنگ ۱۲ روزه ضربه دیدیم اما ایستادیم؛ تکرار نشدن جنگ دست خود ماست»، به گمان من فهم این سخن، نکته کلیدی برای آینده کشورمان است، اینکه چه چیزی را برای آینده کشورمان بخواهیم و این خواستن، بسیار به فهم ما از مسائل برمی‌گردد. بگذارید چند دهه به عقب بازگردم.

در ۳۱ شهریور سال ۵۹، عراق به ایران حمله کرد و ایران در جنگ هشت‌ساله خسارات بسیاری دید و عاقبت هم با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ که ما در تدوینش نقشی نداشتیم، آن جنگ به پایان رسید؛ پایانی که در ذهنیت بسیاری از ما که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با آن درگیر بودیم، با آن تصویری که برای پایان دادن به جنگ برای خودمان تصویر کرده بودیم، نه تنها متفاوت، بلکه حتی متضاد بود. برای همین تفاوت و تضاد هم بود که در مخیله بسیاری از کسان، این پرسش پدید آمد که، اصلاً چرا هشت سال جنگیدیم؟ پرسشی که با وجود گذشت چند دهه، هنوز پاسخ روشنی به آن داده نشده. دقت کنید؛ پرسش این نیست که چرا در مقابل تجاوز دشمن به سرزمین‌مان، به دفاع برخاستیم که اگر دفاع نمی‌کردیم، الان ایرانی وجود نداشت که دیگر چنین پرسشی طرح شود یا نه، بلکه پرسش برمی‌گردد به ادامه یافتن هشت‌ساله آن. در کنار این پرسش جواب داده نشده اما به مرور پرسش دیگری هم طرح شد، پرسشی مهم‌تر از پرسش اول و آن هم اینکه «آیامی شد جلوی بروز آن جنگ را گرفت؟» و سوال اصلی همین است که آیا می‌شد جلوی بروز آن جنگ یا هر جنگ دیگری را گرفت یا خیر؟ و پاسخ به این پرسش نیازمند آن است که بدانیم به جهان و به خود چه نگاهی داریم و مهم‌تر از آن، آیا جلوگیری از جنگ (به هر شکل ممکن) برای کشورمان ضروری می‌دانیم یا خیر؟ خب در این یادداشت، روی سختم قطعاً با کسانی که بر این باور نیستند که به هر شکل ممکن باید جلوی بروز جنگ را گرفت نیست، ولی از آنجا که رخ داده‌های پس از جنگ هشت‌ساله

نشان داد که ذهنیت مدیریت کلان کشور بر این باور است که به هر شکل ممکن باید جلوی بروز جنگ را گرفت، به یادآوری دو نمونه می‌پردازم.

حتماً به خاطر دارید که پس از سلطه طالبان در اولین دوره حکومت‌شان بر افغانستان، به کنسولگری ایران در مزار شریف حمله و دیپلمات‌های ایرانی به شهادت رسیدند. متعاقب آن بود که نیروهای نظامی کشورمان در مرز با افغانستان صف کشیدند و بعد از جنگ هشت‌ساله، ایران در جدی‌ترین وضعیت جنگی ممکن قرار گرفت و حتی در گفته برخی از مسئولان نظامی، ضرورت ورود به جنگ با طالبان هم بیان می‌شد. اما آنچه در عمل رخ داد چیز دیگری بود. شکی نیست که به عکس جنگ با عراق که به دلیل آشفته‌گی‌های پس از انقلاب، این عراق بود که در آغاز جنگ، دست بالا را داشت، در آن مر حله که نظامیان ایران و نیروهای طالبان در کنار مرز در مقابل هم صف‌آرایی کرده بودند، ما با هر برآوردهی، کاملاً در موضع برتر قرار داشتیم، اما مدیریت کلان کشور، با وجود این برتری آشکار، به یک امر کاملاً واقف بود، جنگ در هر شکل آن و حتی با پیروزی قطعی هم به ضرر کشور خواهد بود و وجود این عقلانیت بود که جلوی ورود ایران به جنگی دیگر را گرفت. این اتفاق مدتی بعد دوباره و در شکلی دیگر تکرار شد. پس از واقعه یازده سپتامبر بود که جورج بوش، ایران را یکی از سه کشور محور شرارت اعلام کرد و دوباره کشورمان در آستانه جنگی دیگر و این بار با قدرتمندترین کشور تاریخ که برای فهم این قدرت کافی است بدانیم قدرت نظامی آمریکا از مجموع قدرت ۱۸ کشور پس از خودش نیز بزرگتر است، باقی کشورهای پس از این ۱۸ کشور که هیچ‌کدام به ایران به جنگ نیز که دیگر قطعی به نظر می‌رسید داخل نشد، آن هم وقتی عده‌ای حتی می‌گفتند آمریکا برای استقرار دموکراسی در خاورمیانه به جای حمله به عراق باید به ایران حمله کند؟ در هر دو این وقایع که من در چندین یادداشت در سال‌های قبل نوشته‌ام و آنها را به فرار ایران از تله جنگ تشبیه کردم، فقط و فقط یک چیز در ذهنیت مدیریت کلان کشور وجود داشت: «باید جلوی جنگ را بگیریم» نه اینکه «آیامی توانیم جلوی جنگ را بگیریم».

لزوم سیاست‌ورزی یک سیاستمدار این است، پرهیز از خیال‌پردازی و رویا‌بافی. فرقی هم نمی‌کند که رویه‌رویت طالبان ایستاده باشد که از تو ضعیف‌تر است یا قدرتمندترین کشور تاریخ، این ما هستیم که نباید بگذاریم جنگ‌شود و بزرگترین وظیفه سیاستمدار همین است. مهم نیست نادر شاه باشی، وقتی با آن همه فتوحات، پس از مرگ ایرانی باقی نماند، اما مهم است که ناصرالدین شاه باشی و با وجود دو ابر قدرت دندان تیز کرده، پس از مرگ، ایران باقی مانده باشد. خیال‌پردازان به نادرشاهی می‌نازند که بعد از مرگش، ایران باقی نماند.

برای باقی ماندن ایران، ناصرالدین شاه باشیم.

## نگاه سیاستمدار

## حکمرانی آینده‌نگر برای پیشرفت کشور



محمد مخبر

مشاور و دستیار مقام رهبری

در الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی، تصویر آینده در حکم زبان مشترک بین حاکمیت و جامعه ایفای نقش می‌کند؛ زبانی که در آن مفاهیمی همچون عدالت، استقلال، پیشرفت و مردم‌سالاری دینی، از سطح آرمان به سطح عملیات ترجمه می‌شوند. نکته اساسی این است که چرا امروز، بیش از هر زمان دیگری جمهوری اسلامی نیازمند تصویرسازی راهبردی از آینده است؟ نخست اینکه در سطح بین‌المللی، ما شاهد ورود به عصری هستیم که در آن، سیاست جهانی مبتنی بر سناریوسازی، انعطاف‌پذیری روایتی و مهندسی افق‌های نوین شکل گرفته است. آینده در این منطق، به متغیری راهبردی در قدرت نرم کشورها بدل شده است. در چنین شرایطی، ورود فعال جمهوری اسلامی به حوزه آینده‌سازی، به معنای تقویت موقعیت و اثرگذاری آن در عرصه رقابت‌های تمدنی خواهد بود. ثانیاً، در سطح داخلی، جامعه ما با ترکیبی از چالش‌ها و فرصت‌های نوظهور مواجه است: از یک سو، پیچیدگی‌های نظام اقتصادی، دگرگونی‌های فرهنگی و برخی فشارهای معیشتی؛ و از سوی دیگر، رشد نخبگان جوان، ظرفیت نهفته دانش‌بنیان‌ها، توسعه فناوری‌های نوین و تعمیق گفت‌وگو انقلاب اسلامی، ضرورت یک افق‌سازی جدید را ایجاب می‌کند.

لذا از این منظر طراحی و ارائه یک تصویر مطلوب از آینده باید دارای پنج ویژگی راهبردی باشد که عبارت‌اند از: بومی بودن، جهت‌دار بودن، مردم‌پایه بودن، برخورداری از قابلیت سناریونویسی و همچنین پذیرش فناوری به‌عنوان یکی از پیشران‌های اصلی تحول آینده کشور. این تصویر هم باید شناخت‌پذیر باشد و هم از قابلیت تبدیل به دستور کار نهادهای برخورداری باشد. تصویرسازی در این سطح، هم‌زمان شالوده حکمرانی نوین، تقویت‌کننده مشارکت عمومی و زیرساخت اصلی تمدن‌سازی اسلامی-ایرانی خواهد بود. بدیهی است که گفت‌وگو کارآمدی، با برخورداری از یک تصویر دقیق و مشخص از آینده، تا حدود زیادی در مواجهه با بحران‌های احتمالی و نوظهور موفق عمل خواهد کرد. سیاست‌گذاری بدون چشم‌انداز، همانند کشتی بی‌سکان در دریای متلاطم تحولات جهانی است؛ بنابراین،

\* یکجیده از یادداشت محمد مخبر در سایت دفتر مقام رهبری

## تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



مادر شهیدان حسین و محمد باقری در مراسم دیروز Leader.ir

مقام معظم رهبری با نقد نگاه غرب به زن و تبیین نگاه اسلام:

## جمهوری اسلامی باعث ارتقاء و پیشروی زنان شد

بابدقه‌می‌های کسانی که دین دارند اما دین را نشناخته‌اند و کسانی که از اساس دین را قبول ندارند، در تضاد است».

ایشان با تبیین منطق قرآن در زمینه حقوق زنان در جامعه تأکید کردند: «در اسلام در فعالیت‌های اجتماعی، کسب‌وکار، فعالیت سیاسی، دستیابی به بیشتر مناصب حکومتی و در عرصه‌های دیگر، زن با مرد حقوق برابری دارد و در سلوک معنوی و تلاش و حرکت فردی و عمومی، زمینه‌های پیشرفت او باز است». آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه «فرهنگ متحط غربی و سرمایه‌داری

**گروه خبر:** مقام معظم رهبری دیروز در دیدار زنان و دختران مناطق مختلف کشور، فاطمه زهرا(س) را در همه عرصه‌ها «یک انسان عرشی ارسته به والاترین خصوصیات» خواندند و گفتند: «زن ایرانی الحمدلله از جنین خورشیدی که به فرموده پیامبر(ص)، سرور همه زنان عالم در همه دوران تاریخ است، الگو و درس می‌گیرد و در جهت اهداف او حرکت می‌کند». رهبری با اشاره به آیات قرآن درباره «نقش برابر زن و مرد در حیات و تاریخ بشر و امکان برابر رشد زن و مرد در رسیدن به کمالات معنوی و عالی‌ترین مقامات»، گفتند: «همه این نکات

## از برج‌های تا بازداشت

درباره **فدریکا موگرینی** که درگیر پرونده مالی شده است



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

فدریکا موگرینی به اتهام فساد مالی در یورش پلیس فدرال بلژیک بازداشت و سپس آزاد شد. خبری تکان‌دهنده در عرصه رسانه‌ای و سیاسی اروپا که به خاطر شناخته‌شده بودن موگرینی در ایران و نقشی که در مذاکرات هسته‌ای داشت، در کشور ما هم بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. در جریان این عملیات، پلیس بلژیک دفاتر کالج اروپا در شهر بروژ، ساختمان سرویس اقدام خارجی اروپا (EEAS) در بروکسل و خانه سه‌مظنون پرونده را بازرسی کرد. رئیس‌فعلی کالج اروپا و مسئول سابق سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا، همراه با دو مقام ارشد دیگر درگیر پرونده‌ای مربوط به برگزاری یک دوره آموزشی ۹ ماهه (۲۰۲۳-۲۰۲۴) مربوط به تربیت دیپلمات‌های جوان کشورهای عضو اتحادیه اروپا شدند. پروژه‌ای آزمایشی با عنوان «آکادمی دیپلماتیک اروپا» که قرار بود به عنوان یک نهاد آموزشی دائمی تأسیس شود و بودجه آن از سوی اتحادیه اروپا تأمین شده بود. پرونده در همین نقطه آغاز شده است: از برگزاری مناقصه و اکذاری این پروژه یک میلیون یورویی. دفتر دادستان کل اروپا دو بیانیه در تاریخ‌های دوم و سوم دسامبر (۱۱ و ۱۲ آذر) منتشر کرد که حاوی جزئیاتی از این پرونده بود. در دومین بیانیه آمده است: «سوءظن‌های قوی وجود دارد که در طول فرآیند مناقصه برای این برنامه، ماده ۱۶۹ مقررات مالی مربوط به رقابت منصفانه نقض شده و اطلاعات محرمانه درباره تدارکات در حال انجام با یکی از نامزدهای شرکت‌کننده در مناقصه به اشتراک گذاشته شده است. پیش از انجام عملیات‌های جست‌وجو، دفتر دادستانی کل اروپا در خواست لغو مصونیت قضایی چندین مظنون را داد که با آن موافقت شد. حقایق مورد بررسی ابتدایه دفتر مبارزه با کلاهبرداری اروپا گزارش شد. این موارد می‌تواند شامل تقلب در تدارکات، فساد، تضاد منافع و نقض اسرار حرفه‌ای باشد. تحقیقات برای روشن شدن حقایق و ارزیابی اینکه آیا جرائم کیفری رخ داده است یا خیر، ادامه دارد.» پرونده مذکور در دادگاه بلژیک رسیدگی می‌شود و کالج اروپا، تحت مدیریت فدریکا موگرینی همان طرف شرکت‌کننده در مناقصه‌ایست که بین سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ انجام شد. موگرینی علاوه بر ریاست کالج اروپا، ریاست آکادمی تأسیس‌شده به موجب این برنامه آزمایشی را هم بر عهده داشت. موگرینی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ مسئول سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا بود و از سال ۲۰۲۰ ریاست این کالج را بر عهده گرفت. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، بالاترین مقام سرویس اقدام خارجی هم محسوب می‌شود که در حکم وزارتخانه‌های امور خارجه و دفاع اتحادیه اروپا فعالیت می‌کند. بر اساس

گزارش دو